انجنیر سید مختار دریا

۲۸ نومبر ۲۰۲۰

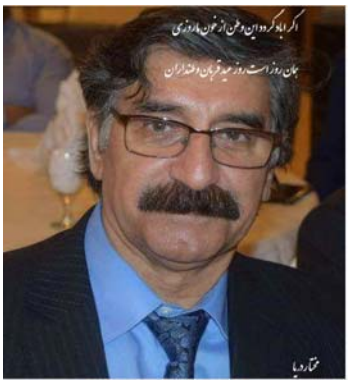

پیـام شقـایـق

مـن آن غـریـو شقـایـق ز قلـب انجمنم نهـان به قصـر سپیدار! بشنـو ایـن سخنم
بـه تـار جهل و شقـاوت به آتش غـدرش بسوخـت زادگـهـم را و دوخـت این دهنم
شکست شـاخهٔ عمـرم تبـر به دست اجیر مـن آن نهال که پُر بار گشته زایـن چمنم
خمیـد قـد پـدر تا که قـامتـم شـد راست زاشـک دیـدهٔ مـادر که دوخـت پیـرهنم
چـه رنجها که نـدیـدم در ایـن خرابـهٔ دهر بـه آن امید که گـردم کسی در ایـن وطنم
چـو جـامـه دوز بخیـه زن بـود هـر جـا نـدوخت رخت عـروسی بدوخت این کفنم
پـدر کلان مـن از بس که بـرده بـار غمش هـزار قصـه نهـان کـرده است در سخنم
مـن آن هـزاره که از جبـر عبـدالـرحمانی کنیـز و بـــرده و بـــی خانـمـان و دربـدرم
دریـده پیـرهنـم دسـت غـاصبش بنـگـر بـه زخمهـای تـــن و پـاره هـای پیـرهنـم
گریست خامـهٔ دریا و سوخت صفحه ولی حکایتی است در این اشک داغ و سوختنم

اهداء به روح شهدای این حادثه، انجنیران، کادرهای فنی و آنانی که آرزوی خدمت به وطن در سر داشتند، متأسفانه همه آمال خود را به گور بردند. روح شان شاد

"مختار دریا" ۲۵ جولای ۲۰۱۷ کانادا